



۱۰

تکلیف شهر آفتاب در بهشت



۱۲

جنگ ستارگان پشت پرده



گزارشی از جزئیات فیلم سینمایی سن پترزبورگ ۲
شاید افخمی نسازد

فرهنگ

پنجشنبه ۱۱ مهر ۱۳۹۸ :: شماره ۵۴۹۴

۹
جام جم

اتفاق هفته

کتابخوانی با رادیو

اگر شب دلتان می‌خواهد چشم‌هایتان را ببندید و حال کتاب دست گرفتن ندارید، باید بگوییم برایتان خبر خوشی داریم. رادیو تهران و سردبیر یکی از برنامه‌های خویش یعنی «کتاب شب» برای این‌که شما با چشم‌های بسته هم بتوانید مطالعه کنید و با کتاب همراه شوید کلی برنامه جذاب تدارک دیده‌اند.

آنطور که سردبیر این برنامه اعلام کرده، چند اثر در اتاق فکر گروه اخلاق و زندگی شهروندی رادیو تهران برای بازخوانی در ایام پیش رو تصویب شده و به زودی می‌توانید آنها را در این شبکه رادیویی بشنوید. آثار تصویب شده برای بازخوانی در «کتاب شب»، از روز شنبه سیزدهم تا پنجشنبه هفدهم مهر، به مناسبت سالروز تولد سهراب سپهری، ماجراهایی از زندگی او که بر اساس منابع گوناگون در شش قسمت، تنظیم رادیویی شده است، بازخوانی خواهد شد.

از شنبه بیستم تا پنجشنبه ۲۵ مهر، تنظیم رادیویی رمان «ماجرای حیرت‌انگیز بارن فن مونهاوزن» اثر گوتفرد آگوست بورگر با ترجمه توس در شش قسمت بازخوانی خواهد شد.

از شنبه ۲۷ مهر تا پنجشنبه دوم آبان، شش داستان کوتاه ایرانی از نویسندگان معاصر، همراه با تحلیل سردبیر برنامه از آنها روایت خواهد شد.

از شنبه چهارم تا پنجشنبه شانزدهم آبان (به مدت دو هفته) به مناسبت قرار داشتن در آستانه سالگرد تسخیر لانه جاسوسی آمریکا و روز مبارزه با استکبار جهانی، تنظیم رادیویی رمان مشهور «خوشه‌های خشم» اثر ضد آمریکایی جان اشتاین بک با ترجمه شاهرخ مسکوب و عبدالرحیم احمدی از روی چاپ سال ۱۳۸۱ انتشارات امیرکبیر در ۱۲ قسمت برای شنوندگان این برنامه، روایت خواهد شد.



از روز شنبه ۱۸ تا ۲۳ آبان، رمان «مسیا» خاتم رسولان» اثر سید مصطفی گرم‌رودی از انتشارات معاونت پژوهش و آموزش سازمان تبلیغات اسلامی، در شش قسمت بازخوانی خواهد شد.

برنامه هفته آبان هم کتاب «روزگار من و شعر» ۶۳ روایت از زندگی شاعر معاصر محمدعلی بهمنی» که به کوشش احمد امیر خلیلی در انتشارات نگاه به چاپ رسیده، در شش قسمت، از شنبه ۲۵ تا پنجشنبه ۳۰ آبان بازخوانی خواهد شد.

برنامه «کتاب شب» رادیو تهران، به سردبیری محمد باقر رضایی، تهیه‌کنندگی رضا قربانی و صدای ثابت بهروز رضوی، هر شب ساعت ۲۳ و ۳۰ دقیقه (بجز جمعه‌ها) پخش می‌شود. این برنامه آثار ادبی و اجتماعی را روایت می‌کند.

انتشار یک سکانس حذف شده

دوباره پای «آژانس شیشه‌ای» رابه رسانه‌ها باز کرد

دهه‌ات نگذشته مربی!

وقتی فیلمنامه را خواندم، شوکه شدم!



فیلم آژانس شیشه‌ای بعد از ۲۲ سال هنوز هم جریان ساز است



آدم‌های چهار فصل

خیلی‌ها می‌گویند پاییز که می‌آید هوای دلشان ابری می‌شود، حالا هم پاییز آمده و هر چند هنوز در تهران ابر و باد و باران درست و حسابی راه نینداخته، فکر می‌کنیم حال دل‌ها پاییزی شده. از شما که راستش بی‌خبریم، اما تجربه این روزها شلوغی و هیجان سابق را ندارد و اگر نباشد هر از گاهی عصرانه‌هایی که به زور و شوخی و خنده از بچه‌ها می‌گیریم کل هوای تحریریه می‌شود پاییزی پاییزی. آی امان از این پادشاه فصل‌ها که شور و هیجانمان را کمی گرفته و گرمای تابستانی دور و برمان نیست. اصلاً آدم هم چهار فصلش قشنگ است دیگر... باز ستون پشت صحنه افتاد دست آن نگارنده خاص و رفت توی فازهای درونی خودش... آقا اصلاً حال همه تحریریه خیلی هم خوب است و پر از شیطنت هستند... حال همه ما خوب است... شما... باور کنید یا نه. با خودتان.

امروز در همین صفحه‌ای که مشغول خواندنش هستید آقامحمدصادق علیزاده رفته سراغ سکانس‌های حذف شده آژانس شیشه‌ای همان فیلم به یادماندنی و تاثیرگذار ابراهیم حاتمی‌کیا و بررسی کرده چه چیزهایی در فیلمنامه و نسخه‌های نهایی نشده فیلم بوده که در نهایت به هر دلیلی حذف شده.

ورق که بنزد می‌رسید به صفحه ۱۰ که امروز مقرر فعالیت همکار فوق‌العاده مان صابرخان محمدی بوده است، چندروز پیش طوماری منتشر شد که ناشران در مخالفت به تغییر محل برگزاری نمایشگاه کتاب تهران از مصلی به شهر آفتاب امضا کرده و برای معاون اول رئیس‌جمهور اسحاق جهانگیری فرستاده بودند. خلاصه‌اش این‌که ما جام‌چی‌ها سوژه را دادیم تحویل همکارمان و او ردش را زد و رسید به شورای شهر تهران که ظاهرادر صدد انجام این تغییر است. در این گزارش محمدی با الهام فخاری عضو شورای شهر حرف زد تا ببیند ماجرا چیست.

درباره بازخورد های «آژانس شیشه‌ای» بعد از گذشت ۲۲ سال از ساختش می‌پرسیم: «خیلی خوب است. هنوز که هنوز است دیدنی است. همین جمعه گذشته هم تلویزیون آن را پخش کرد. مردم هنوز آن را می‌بینند و با آن همراه می‌شوند. فیلم تاثیرگذاری است، همه شخصیت‌ها ماجراجاری خودشان را دارند و برای بیننده هم قابل باور هستند و بیننده با آنها همدات‌پنداری می‌کنند بعد از این همه سال. حال آدم خوب می‌شود که می‌بیند این طرف و آن طرف درباره فیلم صحبت می‌کنند و حرف می‌زنند!»

می‌دهم و او می‌گوید این فکس است. حداقل از من چیز اضافه‌ای گرفته نشد. واکنش زارع بعد از دیدن و خواندن فیلمنامه هم جالب بوده: «وقتی فیلمنامه را خواندم شوکه شدم. گفتم مگر می‌گذارند چنین فیلمی بسازیم؟ فیلم قرار بود در سال ۷۵ ساخته شود ولی نگذاشتند. اتفاقاتی در آن سال‌ها افتاده بود که ابراهیم قهر کرد و رفته بود مغازه پدرش کار می‌کرد. نوشتن فیلمنامه آژانس هم مربوط به همین دوره است و بعدش هم ساخته شد.»

آژانس شیشه‌ای در شانزدهمین جشنوار فیلم فجر در زمستان ۱۳۷۶ به نمایش درآمد. زمانی که جامعه به تازگی از یک التهاب سیاسی و انتخاباتی بیرون آمده بود. زارع درباره فضای نمایش فیلم در جشنواره آن سال به جام‌چی می‌گوید: «همه متحیر شده بودند. کل فضای جشنواره تحت تاثیر قرار گرفته بود آن‌هم در آن شرایط سیاسی. همه غافلگیر شده بودند به همین دلیل هم خیلی از جایزه‌ها را گرفت. من تنها کسی بودم که در آن فیلم جایزه نگرفتم.»

از زارع درباره دلایل جایزه گرفتن‌اش می‌پرسیم: «دو فیلم در سینما بازی کرده‌ام که قرار بود نقش‌هایش جایزه بگیرند اما نگرفتند. برای بازی من در بوی پیراهن یوسف، اسم‌ها اشتباه شد و بعدش هم گفتند صدایش را در نیاورید. برای آژانس شیشه‌ای هم یکی از دوستان سینمایی صحبت‌هایی کرده بود که جایزه من منتهی شد. این دو اتفاق برای من برای دو فیلم افتاد. البته الان آن را فراموش کرده‌ام. اینها باعث شد که دیگر جشنواره و جایزه‌اش برای من مهم نباشد!»

زارع از شخصیت‌های مثبت و همراه با قهرمان فیلم است. از او

سراغ احمد زارع می‌رویم. او هم با ما هم‌نظر است چیزهایی که منتشر شده، نسبت به اصل فیلم تغییری ایجاد نکرده: «این سکانس را من خودم هم خبر نداشتم و ندیده بودم. البته چیزی را هم تغییر نداده.» زارع به ما یادآوری می‌کند که خود این سکانس هم در فیلم هست ولی فقط بخش جریمه شدن حاج کاظم: «این سکانس در فیلم هست ولی خیلی کوچک است و قبل و بعد از آن کات خورده. در فیلم می‌بینیم که به حاج کاظم می‌گوید جریمه شده‌ای و بعد هم کات می‌شود.»

از زارع درباره بعضی دیالوگ‌هایی می‌پرسیم که در فیلمنامه هست ولی در نسخه نمایشی فیلم وجود ندارد. پاسخ زارع حاکی از آن است که حاتمی‌کیا به دلایل فنی و سینمایی به این تشخیص رسیده که این بخش‌ها را نگیرد و با زبان تلمیح و اشاره که سینمایی‌تر هم هست از کنار آنها بگذرد: «در صحنه پای هلی‌کوپتر چیزی که همین الان هم در فیلم می‌بینیم، فقط همان‌ها گرفته شده و چیز اضافه‌ای نگرفتیم که بعدا حذف شود. همین صحنه‌هایی است که الان هم هست و می‌بینیم. هلی‌کوپتر می‌نشست، ما عباس را داخلش می‌گذاریم، من نامه را به سلحشور

«وقتی فیلمنامه را خواندم شوکه شدم! به حاتمی‌کیا گفتم اصلاً اجازه ساخت این را می‌دهند؟» این را قاسم زارع به جام‌چی می‌گوید. همان احمد کوهی فیلم «آژانس شیشه‌ای» که موفق شد حاج کاظم و عباس را از جنگ سلحشور بیرون بیاورد و برای درمان راهی خارج از کشور کند. آژانس شیشه‌ای در نهایت بعد از کش و قوس‌های مختلف ساخته شد تا حالا به یکی از ماندگارترین آثار سینمای ایران تبدیل شود. در ماندگاری این فیلم همین پس که هنوز بعد از ۲۲ سال، انتشار یک سکانس حذف شده از آژانس می‌تواند دوباره حاشیه ایجاد کند.

چیزی که نشان می‌دهد دهه آژانس و آدم‌هایش تمام نشده و انگار تمام‌نحو خواهد شد.

هواپیما هستند. دیالوگ دیگری را می‌بینیم که باز هم در فیلم اثری از آن نیست: احمد: آقا سلام رسوند! (توجه کاظم جلب می‌شود) کاظم: مگه خبر داره؟ احمد: دلخور بودن که چرا پیشش نرفتی.

کاظم: دیر بود، فرصت کم بود! کی میرسیم؟ این دو سکانس، مهم‌ترین بخش‌هایی هستند که در فیلم آنها را نمی‌بینیم.

چیزی تغییر نکرده

در دو مورد از حذفیات فیلمنامه، سه بازیگر حضور دارند که اگر قرار به تصویربرداری عین فیلمنامه بود باید این سه نفر در آن حضور می‌یافتند: پرویز پرستویی (حاج کاظم)، حبیب رضایی (عباس) و قاسم زارع (احمد). برای صحبت کردن درباره این مساله



اصلی حذف شدنش، محتوایی و مضمونی نبوده. اما حالا که صحبت از حذفیات «آژانس شیشه‌ای» شد، احتمالاً برایتان جالب باشد که بدانید حذفیات این فیلم فقط محدود به این سکانس نیست.

فقط فیلمنامه نیست

فیلمنامه «آژانس شیشه‌ای» مدت‌هاست که در قالب کتاب منتشر شده. اگر این کتاب را دیده یا خوانده باشید احتمالاً دیالوگ‌هایی را دیده‌اید که حاتمی‌کیا آنها را در فیلمنامه نوشته بوده ولی در فیلم خبری از آنها نیست. در دو سکانس اصلی فیلم، دیالوگ‌هایی دیده می‌شوند که در فیلم آنها را نمی‌بینیم. مثلاً زمانی که سلحشور، پیروزمندانه جلوی بنز ایستاده و ناگاه احمد کوهی و بالگرد سفیدرنگش از راه می‌رسند در فیلمنامه می‌خوانیم: سلحشور: هلی‌کوپتر برای چی آوردی؟ (احمد نامه‌ای لوله شده، شبیه فکس را در دست این سکانس حالا دارد در فضای مجازی دست به دست می‌چرخد. تیتراژ «سکانس حذف شده آژانس شیشه‌ای» هم آنقدر برای هر مخاطبی جذاب هست که برای یک بار هم که شده این ویدئو را اجرا کرده و ببینید. این سکانس چیز زیادی ندارد. به نظر می‌رسد دلیل اصلی حذف شدنش هم جلوگیری از طولانی شدن بیش از حد فیلم باشد. حذف آن هم از نظر محتوایی ضرری به نسخه به نمایش درآمده فیلم نزده. همین کافی است تا مشخص شود دلیل

۳ میلیون نتیجه! کافی است عبارت «سکانس حذف شده آژانس شیشه‌ای» را در موتور جست‌وجوگر گوگل جست‌وجو کنید تا این عبارت را روی نمایشگر شما نشان دهد. آژانس و حاج کاظم هنوز که هنوز هست بعد از گذشت ۲۲ سال از زمان ساخت‌شان می‌توانند حاشیه درست کنند. این سکانس که قرار بوده اولین سکانس فیلم باشد برای اولین مرتبه توسط یکی از خبرنگاران فرهنگی در توئیتر منتشر شده. حاج کاظم پیکان را از پسرش تحویل می‌گیرد. ۳ نفر از ۴ مسافر داخل پیکان به قصد میدان آزادی سوار شده‌اند اما حاج کاظم حال ندارد تا میدان انقلاب بیشتر برود. در پاسخ به اعتراض یکی از مسافران هم که می‌گوید پسر ت قرار بود ما را تا آزادی ببرد یکی دیگر از دیالوگ‌های انتحاری حاتمی‌کیایی را رو می‌کند: «اون جوون بود من جون تا آزادی رفتن رو ندارم. تو این دود و دم تا انقلاب بکشم خپلیه!»

این سکانس حالا دارد در فضای مجازی دست به دست می‌چرخد. تیتراژ «سکانس حذف شده آژانس شیشه‌ای» هم آنقدر برای هر مخاطبی جذاب هست که برای یک بار هم که شده این ویدئو را اجرا کرده و ببینید. این سکانس چیز زیادی ندارد. به نظر می‌رسد دلیل اصلی حذف شدنش هم جلوگیری از طولانی شدن بیش از حد فیلم باشد. حذف آن هم از نظر محتوایی ضرری به نسخه به نمایش درآمده فیلم نزده. همین کافی است تا مشخص شود دلیل